

حرف درشت

جنبش توپی

پوریا عالمی

● ما یک خاطره تعریف می‌کنیم. وقتی ما بچه بودیم، یک همسایه داشتیم که هر چندوقت یک‌بار می‌آمد توی کوچه و می‌گفت: اگر توپ‌تان بیفتد توی حیاط ما، پاره‌اش می‌کنم. آن‌هم درحالی‌که ما توپ‌بازی نمی‌کردیم و داشتیم قایم‌باشک‌بازی می‌کردیم. در همین لحظه داداش ما یکهو گفت من توپم رو میدارم تو حیاط شما ببینم کی می‌خواد پاره‌اش کنه؟ کار بالا گرفت و جنبش توپی آغاز شد. بچه‌ها قایمکی توپشان را به هم نشان می‌دادند یا می‌رفتند جلو خانه همسایه توپ را می‌زدند زمین و تا هوا می‌رفت، در می‌رفتند. قصه‌ای شده بود. جالب اینجاست که پسر همین آقای همسایه از سربازی برگشت و توی محلل سوپرمارکت راه انداخت و توپ‌های بادی آورد. آقای همسایه گفت بازی با توپ پلاستیکی (که از بقالی بخريد) ممنوع است، اما بازی با توپ بادی (که از سوپرمارکت پسرش) بخريد آزاد است. در همین موقعیت خاص تاریخی بود که جنبش تحریم توپ شکل گرفت و دیگر هیشکی توپ نخرید تا پسر آقای همسایه ورشکسته شود. خلاصه کم‌کم آتاری و میکرو، سگا و پلی‌استیشن آمد و ما که می‌خواستیم با دوستانمان فیفا بازی کنیم، دچار شک شدیم که آیا با توپ بازی‌کردن در کامپیوتر هم مشکل دارد؟ آقای همسایه به همین منظور یکهو سر زده می‌آمد داخل خانه ما و بازی کامپیوتری ما را چک می‌کرد که توپی که شوت می‌کنیم به قصد برهم‌زدن نظم کوچه نباشد یا یکهو گیر می‌داد چرا زغال‌مادرید را برداشتید؟ باید جاش تراکتورسازی یا نفت آبادان را بردارید. کار به جایی کشیده بود که اگر کسی وضعیتش توپ بود باید می‌رفت به آقای همسایه باج‌بسییل می‌داد. اگر کسی اوضاع مالی‌اش طوری بود که توپ می‌زدی تکان نمی‌خورد، باید شعبه جدید سوپرمارکت پسر همسایه را راه می‌انداخت. اگر کسی توی مدرسه یک توپ داشت که قلقلی بود، باید قلقلی‌اش را می‌فرستاد آزمایشگاه آقای همسایه ببیند که زیادی قل نداشته باشد. گرفتاری شده بودیم‌ها... حالا داداش ما چی؟ هیچی. داداش ما همان اول از محله ما رفت و رفت باشگاه فوتبال نوجوانان عضو شد و الان مربی شش‌تا تیم ملی است و تخصصش رویایی‌زدن بنا انواع توپ‌هاست و چندبیار آقای همسایه دعوتش کرده و آمده با هم دیزی خورده‌اند، اما ما چی؟ ما هیچی، ما هنوز دست به توپ نزنیم، داستان می‌شود. این بود قصه ما.

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۶ • ۲۳ محرم ۱۴۳۹ • ۱۴ اکتبر ۲۰۱۷ • سال یازدهم • شماره ۲۹۸۵ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۸ • اذان صبح فردا ۴:۴۶ • طلوع آفتاب ۶:۰۱

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

راضیه درزی

لزوم رعایت ایمنی وسایل گرمایشی در آستانه فصل سرد



۲۰۰ روز ۲۰۰ سکه تمام بهار آزادی

قرعه کشی هفتگی ۷ سکه برای اعضای کانال تلگرام بانک ملت



@bankmellat_channel @bankmellat.official مرکز ارتباط ملت: ۱۵۵۵۵۵۵۵ شهرستان: ۸۲۴۸۸-۰۲۱ پیام کوتاه: ۳۰۰۳۰۰۳۰۰ روابط عمومی

www.bankmellat.ir

پشت جلد

نخبگان را بر زمین می‌کوبیم

نهاده‌پنه می‌کند. در دولت قبل وقتی فردی در سطوح عالی اجرایی ادبیات موسوم به بکم‌بکم را به کار می‌گرفت سهل بود که چنین ادبیاتی در همان سطح باقی نماند و در دستگاه‌های مختلف هم رایج شود. تمام سخن این است که اگر ادبیات در سطوح عالی تنزل یافت، نمی‌توان انتظار داشت بازتابش در جامعه دیده نشود، اگر سطحی از خشونت پذیرفته شود، امکان کنترل آن در همان سطح وجود ندارد و پخش می‌شود. اگر سرمایه‌های اجتماعی به‌راحتی تخریب شوند این تخریب فقط در سطح خاصی باقی نمی‌ماند و قس علی‌هذا. جایگزین اینها چیست؟ متأسفانه پاسخ چندان امیدوارکننده نیست. هر جامعه‌ای در سرمایه‌هایش شناخته می‌شود وقتی این سرمایه‌ها در معرض آسیب‌های گوناگوند، چه باید گفت؟! به کجا می‌رویم چنین شتابان!؟

که نه‌تنها کمتر حمایتی هست، بلکه تمام عوامل برای تخریب، کوبی فراهم‌تر است. به همه حذف و ردها توجه کنید، جامعه کاملاً با آنها آشناست. به همین پاره خبرهای مهم هفته‌های قبل نگاه کنید که البته این خبرها به هفته‌های قبل محدود نیست و حتی در اطراف یک جناح سیاسی یا پاره‌ای نویسنده‌ها، اساتید، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و... محدود نمی‌شود. باور این است که حجم و شدت این تخریب‌ها از نیمه صدارت دولتمرد پیشین شدت گرفته است. اگر این احساس درست باشد همه -از هر صنف و تعلقی- از آن لطمه می‌بینند. وقتی رسانه‌ای در سطوح فراگیر و بزرگ به‌سادگی به افراد برجسته برچسب می‌زند و آنها را گشاده‌دستانه با واژه‌های سنگین بر جایگاه اتهام می‌نشاند، در نهان خود اخلاق مشابهی را در سطوح وسیع اجتماعی



کریم ارغنده‌پور

ما به نخبگان‌مان به شکل سرمایه‌های اجتماعی نگاه نمی‌کنیم. به چشم برهم‌زدنی و به بهانه‌ای یک شخصیت علمی یا سیاسی و اجتماعی را بر زمین می‌کوبیم و خدا می‌داند که او چگونه توانایی برخاستن خواهد یافت. وقتی سرمایه‌ی اجتماعی شکل گرفت، موضوع فقط شخصی نیست. با افزایش این سرمایه، همه جامعه سود می‌برد و از سقوط آن همه جامعه زیان می‌بیند، سهل است که به همین دلیل انتظار است این سرمایه‌ها هم از سوی جامعه و هم نهاد قدرت بیشتر حمایت شوند. ولی زهی تأسف

پشت تاریخ

گریبانِ خاطره و دستِ فراموشی

سعید مهرپویا

۸۳ سال پیش همین روزها، مشهد در تب‌وتاب و جنب‌وجوش میزبانی هزاره فردوسی بود. برنامه‌ریزی برای این مراسم از سال‌هایی پیش‌تر از مهر ۱۳۱۳ آغاز شده بود و با جابه‌جایی‌هایی در جزئیات، ساخت بنایی مناسب برای آرامگاه فردوسی از مهم‌ترین آنها بود. سفر رضاشاه به مشهد در تابستان ۱۳۰۵، جدی‌شدن برگزاری جشن هزاره فردوسی، دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دوران آغازین پهلوی اول و نیابت تولیت محمدولی اسدی آرام‌آرام بر مشهد هم اثر می‌گذاشت. تصویر مشهد در دوران قاجار دارای دو چهره است: گاه از زیبایی‌ها، آرامش، باغ‌های مفرح و صفای صحن و سرا حکایت می‌کند و گاه از آلودگی، ویرانی، فقر و بیماری. همین مشهد محصور در باروی شهر به آغاز سده حاضر می‌رسد. با تنها خیابان شرقی-غربی‌اش که یادگار شاه‌عباس صفوی است و از میان حرم می‌گذرد، با دروازه‌های شش‌گانه‌اش. قوام‌گرفتن مفهوم تجدد، دیوان‌سالاری و مناسبات تازه اجتماعی و زیادشدن خودرو بهانه‌های کافی برای دست‌اندازی به شهر بود. شهر از حصار بیرون می‌زند و دومین خیابان شهر کشیده می‌شود. حدود ۹۰ سال پیش، خیابان شاه‌رضا (آزادی / آیت‌الله خزعلی کنونی) از میان باغ تولیت می‌گذرد و بر بالای خیابان عمود می‌شود و چهارراه نادری پدید می‌آید. ماجرای این خیابان و مکاتبات بین نایب‌التولیه و وزیر دربار گوشه‌هایی از دغدغه‌های آن روزگار را آشکار می‌کند. در همان روزها تنها راه رسیدن از شرق به غرب شهر و برعکس، گذشتن از میان صحن عتیق (انقلاب کنونی) بود؛ راهی که عبور چهارپایان و خودرو را محدود می‌کرد. محمدعلی شوشتری، خفیه‌نویس رضاشاه، در کتاب خاطراتش وضع آن روزها را توصیف می‌کند و از نبود دسترسی و کوچه‌های باریک و کف‌سازی نامناسب کوچها می‌گوید. گزارش‌هایی مشابه آن و بازتاب آن در گفت‌وگوها و نامه‌نگاری‌های محمدولی‌خان اسدی و کریم طاهرزاده بهزاد و حمایت‌های سیدحسوع تقی‌زاده و محمود جم، والیان وقت خراسان، به کشیده‌شدن دو خیابان فلکه شمالی و جنوبی پیرامون حرم مطهر می‌انجامد. این دو خیابان و پس از آن خیابان طبرسی و تهران (امام‌رضا(ع) کنونی) یکی از نخستین مداخلات در بافت پیرامون حرم مطهر به شمار می‌رود. این مجموعه اقدام‌ها در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ سرانجام به همراه ۸۳ سال پیش می‌رسد و هزاره فردوسی. ۲۰ و ۲۱ مهر، به جز سخنرانی شرق‌شناسان و ادیبان؛ آرامگاه فردوسی و بیمارستان امام‌رضا(ع) کنونی هم بازگشایی شد. سر راه مشهد، در نیشابور هم یادمان مقبره خیام افتتاح شد. شباهت این سه بنا در طراح آنها، کریم طاهرزاده بهزاد (۱۳۴۲-۱۲۶۷) است. حضور او نقش مهمی در دگرگونی‌های کالبدی مشهد داشته که تاکنون به‌جدید به آن پرداخته نشده است. طاهرزاده‌بهزاد ابتدا در سال ۱۳۰۷ برای مشارکت در طراحی آرامگاه فردوسی به مشهد آمد. ابتدا طرح اولیه‌اش پذیرفته شد. بعد ناگهان طرحش کنار گذاشته و طرحی انتخاب شد که آندره گدار، رئیس اداره باستان‌شناسی، کشیده بود. در نیمه‌های اجرا، آن طرح هرمی‌شکل کنار گذاشته و دوباره طرحی از طاهرزاده برگزیده شد. طرح طاهرزاده منتخب مسابقه‌ای بود که بین او و چند نفر دیگر برگزار شده بود. در همین سال‌ها به جز طراحی آرامگاه فردوسی، طاهرزاده طرف مشورت بلدیه مشهد برای خیابان‌کشی، تفکیک زمین و ایجاد کاربری‌های تازه بود. طاهرزاده از مهر سال ۱۳۰۷ مشغول طراحی ساختمان بیمارستان شاه‌رضا در خارج از شهر آن زمان مشهد هم می‌شود تا یکی از نخستین بیمارستان‌ها منطبق با پیشرفت‌های پزشکی در مشهد ساخته شود؛ آن هم وابسته به آستان قدس و از محل موقوفات؛ نام نیکی که همچنان باقی است و چنگ‌انداختن به داستان و تاریخ خفته در لابه‌لای خشت‌خشتش شنیدنی و آموزنده است. پیدایش و پویش خاطره‌های هر شهر، حکایت پیوند نسل‌های ساکن در آن است. حالا که شاهدان آن روزها یک‌به‌یک از بین می‌روند، ساختمان‌ها فرومی‌ریزند و خیابان‌ها تغییر می‌کنند؛ جست‌وجوی اسناد قدیمی، یادداشت‌ها و خاطرات شخصیت‌ها، واکاری عکس‌ها و نشستن پای صحبت کم‌شمار بازاندگان آن دگرگونی‌ها می‌تواند و باید نوری باشد در تاریکی شناخت ما از دگرگونی‌های کالبدی و اجتماعی و ریخت‌شناسانه مشهد معاصر. بدیهی است این نور بر زوایایی از معماری معاصر، کیفیت حضور و فعالیت نخستین معماران تحصیل‌کرده، مشقت‌های تغییر سبک و فناوری ساخت و چگونگی رابطه میان معمار، کارفرما و مخاطب نیز می‌تابد.

اتفاق

بررسی تأثیر انقلاب اکتبر بر ایران

شرق: صد سال پس از انقلاب اکتبر ۲۰۱۷-۱۹۱۷ در سمنباری به بازخوانی انقلاب روسیه و بررسی تأثیرات آن بر ایران پرداخته می‌شود. این همایش که شامل سخنرانی و پنل‌های مختلف پژوهشی است، روزهای چهارشنبه ۲۶ و پنجشنبه ۲۷ مهر در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی از ساعت ۱۴ تا ۱۸ برگزار می‌شود. این همایش از ساعت ۱۴ آغاز می‌شود و سخنران افتتاحیه بابک احمدی است که درباره تاریخ تحولات ایران پس از انقلاب اکتبر سخن می‌گوید و سپس منوچهر آشتیانی و کاوه بیات سخنرانی می‌کنند. در بخش دوم پس از «گودرز رشتیانی» قرار است «محسن حکیمی» با عنوان «انقلاب اکتبر و جنبش کارگری در ایران» ساعت ۱۷ سخنرانی کند. احتمال حضور خشایار دیهیمی به‌عنوان یکی از سخنرانان روز اول نیز مطرح است. پس از آن پرسش و پاسخ برگزار می‌شود. سخنران افتتاحیه روز دوم «مجید مددی» است که با عنوان «اندیشه سیاسی و ادبیات ایران پس از انقلاب اکتبر» ساعت ۱۴ سخن می‌گوید. جهانگیر معینی‌علمداری و ابراهیم توفیق دیگر سخنرانان پنل هستند. یکی از پنل‌های مهم روز دوم «ادبیات و شعر دوره مشروطه» است که با مدیریت «محمدرضا تاجیک» ساعت ۱۵ آغاز می‌شود. حافظ موسوی قرار است درباره «تأثیرات انقلاب اکتبر بر ادبیات ایران؛ شعر مشروطه تا کودتا» سخن بگوید.

زنان

از دستاوردهای گلخانه‌ای عربستان، چه کم داریم؟



مینو مرتاضی‌لنگرودی

با مطالعه در تحولات سیاسی - اجتماعی چهار دهه گذشته پس از انقلاب به نشانه‌هایی از دگرگونی‌های ساختاری در موقعیت زنان برمی‌خوریم. این دگرگونی‌های آرام و گسترده بیانگر تحولات بنیادین در جامعه است؛ تحولاتی که خارج از اراده و ذهنیت فردی و گروهی خاص به‌نوبه خود زمینه‌ساز تغییرات کمی‌کیفی در زمینه‌های فرهنگ و سیاست و اجتماع شده است. باوجودی‌که بیش از ۵۰ سال از گرفتن حق رأی زنان می‌گذرد، اما زنان ایرانی در چهار دهه پس از انقلاب از این حق به‌خوبی استفاده کردند. با استفاده بهنگام از این حق توانستند در مقام بنشگر سیاسی و مدنی وارد حوزه‌ها و لایه‌های پیچیده‌تر سیاسی شوند. توانستند به‌طور وسیعی به آموزش دست پیدا کنند. پس از انقلاب و در ۴۰ سال اخیر جمعیت زنان تحصیل‌کرده افزایش یافته و تعداد زنانی که در مقام مسئول و سرپرست خانواده ابفای نقش می‌کنند به نحو چشمگیری رو به افزایش است. شهرنشینی گسترش یافته و به نظر می‌رسد حتی زنان خانه‌دار، خانه‌نشینان را برنمی‌تابند و ترجیح می‌دهند به‌جای اینکه به کار کدبانوگری بی‌دستمزد و مواجب مشغول باشند، شغلی ولو با دستمزد اندک داشته باشند. از سوی دیگر تعداد افراد خانوار کمتر شده و سن ازدواج بالا رفته. با وجود تشویق چندهمسری از سوی برخی افراد، حتی زنانی که به‌عنوان همسر موقت با زن دوم و سوم تن به ازدواج می‌دهند داشتن شغل خارج از خانه را بر خانه‌نشینی ترجیح می‌دهند. با رونق‌گرفتن تکنولوژی و تولید دانش نرم‌افزاری رابطه میان فیزیک و تفاوت‌های بدنی در نیروی کار زن و مرد موضوعی منسوخ به‌نظر می‌رسد. درعین‌حال با افزایش زنان تحصیل‌کرده و توانمند، ساختار خانواده و کیفیت تصمیم‌گیری‌ها به سمت برابری جنسیتی پدر و مادر و خواهر و برادر در خانواده متمایل شده است. در بسیاری از خانواده‌های شهری و نیمه‌شهری دختران به‌عنوان الگوهای موفق سرمشق پسران خانواده و جامعه قرار می‌گیرند. سطح منزلت اجتماعی - سیاسی زنان در این چهار دهه بسیار افزایش یافته است و در اغلب نهاد‌های مدنی به جمعیت داوطلب زنان برای خوریم که مشتاقانه به خدمت مشغولند. زنان امروز تمایل چندانی به ابفای نقش تاریخی زن قربانی ندارند و بیشتر مایلند در مقام یک کنشگر اجتماعی یا فرهنگی اقتصادی دیده و پذیرفته شوند. دستاوردهای زنان در چهار دهه پس از انقلاب، دستاوردهای ساختگی و گلخانه‌ای از نوع تغییرات فرمایشی و امتیازات اعطایی شاه عربستان به زنان تحت‌فرمانش نیست. دستاوردهای زنان ایران دستاوردهایی واقعی و برآمده از تلاش‌ها و مبارزات عدالت‌خواهانه آنان و کوشش بی‌دشمن برای آموختن و پرداختن به امور اجتماعی است. امروز نیز خیز زنان برای شکستن سقف‌های شیشه‌ای برآمده از تبعیض‌های جنسیتی برای افزایش مشارکت سیاسی - اجتماعی ادا و اصول و ژست نیست، بلکه این مطالبات با امنیت و کرامت و مناعت و احساس آرامش و منزلت آنان در سطح خرد و کلان پیوند خورده و مرتبط است. با وجود همه این تحولات و تمامی دستاوردها نمی‌توان این نکته را از نظر دور داشت که موانع دسترسی زنان به برابری موانعی چندوجهی، اعم از فرهنگ، اقتصاد، آموزش، اجتماعی و سیاسی هستند و همین نکته توضیح‌دهنده چرایی وجود نابرابری‌های جنسیتی پرقوت در بسیاری از حوزه‌هاست، هم ازاین‌روست که زنان صرفاً نمی‌توانند به تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اکتفا کنند، بلکه زنان برای تغییر فضا و قوانین تبعیض‌آمیز جنسیتی به‌طور جدی و حیاتی نیازمند برخورداری از قدرت سیاسی هستند؛ به‌عنوان‌مثال، حتی اگر در عقلانیت، نظری، تجزیه و جدایی‌ی راهی برای خروج و رهایی از تبعیض‌های قومیتی، نژادی و ... باشد، مسلماً برای رهایی از تبعیض‌های جنسیتی نمی‌توان از چنین عقلانیت سلبی‌ای بهره برد. ازاین‌رو زنان با اتکا بر عقلانیت سیاسی برای رفع تبعیض، روش ایستادگی بر مقوله برابری حقوقی و بافشاری بر مطالبه عدالت سیاسی - اجتماعی را برگزیده‌اند تا به وجهی ایجابی امکان حیات برابر و زیست انسانی را برای خود فراهم کنند. اصرار بر داشتن درصدی از قدرت و امنیت برای پرکردن شکاف جنسیتی که در زرفهای آن فقر و فساد و تحقیر زنان کمین کرده، ضروری است. حضور زنان در پست‌های وزارت و معاونت و مدیریت‌های کلان، از تک‌جنسیتی‌بودن سیاست و تدوین قوانین نابرابر جلوگیری می‌کند. با ترمیم شکاف جنسیتی، آفات و عوارض سوء آن بر زنان و مردان جامعه کاهش می‌یابد و به نفع خیر عموم است. حضور زنان توانمند در لایه‌های بالای مدیریتی در همه ارکان شعار توانمندی زنان را از حرف به عمل تبدیل می‌کند. توجه به توان و تجربه زنان در مدیریت جامعه بیانگر نگاه توسعه‌گرا و طرفداری آگاهانه دولت از مفاهیم عدالت و بی‌طرفی جنسیتی در تصمیمات سیاسی است. درعین‌حال انتخاب مدیران ارشد از بین زنان و تشکیل تیم‌های تخصصی و کارشناسی از زنان صاحب علم و تجربه نشان می‌دهد آیا دولت اراده‌ای برای حل تناقض موجود میان گفتمان اصلاح‌طلبانه با عملکرد اصلاح‌طلبانه دارد یا خیر؟ انتخاب زنان در مقام استناداری‌ها، شهردار، دولت را قادر می‌کند بی‌واسطه با مسائل و مشکلات جمعیت زنان از نزدیک آشنا شود.

یقیناً تقلید رفتار مردانه از سوی زنان سیاست‌مدار خوشایند دولت و حکومت نیست؛ هم ازاین‌روست که حضور زنان در وزارت و مدیریت‌های ارشد، دادن فرصت برای اعاده قدرت به زنان برای مقابله با مشکلاتی است که نابرابری جنسیتی مزمن و تاریخی در جامعه نهادینه کرده است. انسان‌ها برابر به دنیا می‌آیند و دنیا همه فرصت‌ها و نعمت‌هایش را به‌طور برابر به انسان‌ها عرضه می‌کند. در نابرابری نمی‌توان زیستی شایسته انسان داشت. به‌قول آدورنو: «زندگی خوب در بطن زندگی بد ممکن نیست».